

پژوهشنامه‌ی ادب غنایی  
دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال دهم، شماره‌ی هیجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۱  
(صص: ۲۱۷-۱۹۹)

## محب و محبوب، منظومه‌ی غنایی نفیس و ناشناخته

دکتر احمد رضا یلمه‌ها\*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

### چکیده

با وجود آنکه در سال‌های اخیر بسیاری از نسخه‌های خطی به واسطه‌ی پژوهشگران تصحیح و چاپ کرده‌اند ولیکن کم نیست آثاری که هنوز در گوشه و کنار کتابخانه‌های مختلف دنیا در زاویه‌ی گمنامی به سر می‌برد. یکی از این نسخه‌های نفیس و منحصر به فرد، منظومه‌ای است در قالب مثنوی در شرح عشق و عاشقی به شیوه‌ی ده‌نامه‌سرایایی که یکی از شیوه‌های معمول ادب فارسی به ویژه در قرن هشتم هجری است. یگانه نسخه‌ای که از این منظومه‌ی غنایی به جای مانده و یا تا کنون یافت شده، نسخه‌ای است که در کتابخانه‌ی توبینگن برلین نگهداری می‌شود و تاکنون تصحیح و چاپ نگردیده و ناشناخته باقی مانده است. این پژوهش بر آن است تا برای نخستین بار به معرفی این منظومه‌ی نفیس متعلق به قرن هشتم هجری که از جهت ادبی دارای ارزش فراوانی است، بپردازد. روش تحقیق نیز به صورت اسنادی - تحلیلی است. بدین ترتیب که سعی گردید پس از تهیه‌ی فیلمی از تنها نسخه‌ی موجود و بازخوانی آن نسخه، این منظومه‌ی نفیس که به روش دیگر ده‌نامه‌های ادب فارسی، با بافت و ساختی گوناگون سروده شده است، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** ادبیات غنایی، ده‌نامه، قرن هشتم، نسخه‌ی خطی، محب و محبوب، شاه شجاع.

\*Email: ayalameha@dehaghan.ac.ir

## مقدمه

یکی از انواع ادبی کمتر شناخته در شعر و ادب فارسی ده نامه است. این نوع ادبی از مقوله‌ی تغزل و تغنی است و به منظور بیان عواطف و احساسات عاشق و متقابلاً ناز و استغنائی معشوق به صورت محاوره‌گونه و عاشقانه سروده می‌شود. این نوع از منظومه که از منظومه‌های غنایی شعر فارسی است، در قالب مثنوی به صورت داستان با وزن و اسلوب هرچه ساده‌تر و در شرح عشق و عاشقی در قرن هشتم هجری رواج فراوانی یافت. ده نامه‌های ادب فارسی با آرایشی خاص با هدف بیان نکات و ظرایف ادبی در ده نامه که پنج نامه‌ی آن از سوی عاشق به معشوق و پنج نامه از معشوق در پاسخ نامه‌های عاشق است، سروده می‌شود. در متن نامه، عاشق دلداد، درد عاشقی خود را به معشوق شرح می‌دهد و معشوق نیز با ناز و استغنا، با سنگدلی هرچه تمامتر پاسخ خود را به عاشق می‌دهد. سرانجام در نتیجه‌ی پایداری و بی‌تابی‌های فراوان عاشق، معشوق به سر مهر آمده و عاشق را لایق عشق می‌داند و او را در عشق می‌پذیرد. این نامه‌ها مدبّل به غزلی است با همان وزن منظومه که از لحاظ قافیه غزل محسوب می‌گردد و با مثنوی بعد از خود پیوستگی تام دارد و پس از چند بیت مثنوی، حکایتی نقل می‌گردد که مؤید ابیات آخر مثنوی است. بعد از حکایت، ابیاتی در تأیید مطلب حکایت، تحت عنوان حقیقت سخن (یا مصدوقه حال) آمده و نامه تمام می‌شود و سپس موضوع اعزام پیک پیش می‌آید. فرستنده‌ی نامه پس از انتخاب پیک، ابیاتی در وصف پیک می‌گوید و شیوه‌ی ارسال نامه را به او گوشزد می‌کند. مخاطب نامه به محض خواندن آن، بازتاب حالات خویش را ضمن ابیاتی چند به پیک آشکار ساخته و سخنان خود را با مطالبی تحت عنوان خلاصه‌ی سخن به پایان می‌برد و بر سر نوشتن پاسخ می‌رود. هر کدام از بخشهای دیگر به همین صورت و با همین ترتیب است ولیکن مضامین هر نامه متناسب با سخنان فرستنده‌ی نامه است.

قدم‌ترین اثری که در ادب فارسی این نوع ادبی را به عنوان قالبی برای بیان حالات روحی و قلبی عاشق و معشوق به کار برده، ویس و رامین است. در این منظومه پس از آنکه رامین به گوراب می‌رود و با گل عروسی می‌کند، ویس بی‌قراریها و بی‌تابی‌های خود را در نامه‌هایی

نوشته و به رامین می‌فرستد. رشید عیوضی می‌نویسد: «کهن‌ترین ده‌نامه‌ای که با این آرایش در دست است منطق‌العشاق اوحدی مراغه‌ای (۷۳۸ - ۶۷۳ هـ. ق) است. از سخن خود اوحدی بر می‌آید که ده‌نامه‌ی او تازگی داشته و ده‌نامه‌های سابق طرز و روش او را نداشته است. شاید ایشخور ده‌نامه‌ها، همان نامه‌های ده‌گانه‌ای باشد که فخرالدین گرگانی (متوفی در حدود ۴۴۶ هـ. ق) در منظومه‌ی ویس و رامین آورده است. در این منظومه، مشکین دبیر به درخواست ویس، ده‌نامه‌ی پیاپی به رامین می‌نویسد. اگر دلیلی نداشته باشیم که این ده‌نامه را از افزوده‌های خود فخرالدین بدانیم، باید بپذیریم که ده‌نامه‌نویسی سابقه‌ای بسیار دیرین دارد و از آنجا که تا حدی به ثبوت رسیده است که داستان منظومه‌ی ویس و رامین از یادگارهای دوره‌ی اشکانی است، به فرض اتفاق افتادن ماجرای این منظومه در اواخر عهد اشکانیان، سابقه ده‌نامه‌نویسی حداقل به هیجده قرن پیش می‌رسد.» (عیوضی، ۱۳۵۴: ۵۲۶) مجتبی مینوی درباره‌ی ویس و رامین چنین می‌نویسد: «شهرت فخری گرگانی و مطبوع بودن قصه‌ی ویس و رامین او در میان اهل ادب و حتی عامه‌ی مردم، از چند ممر به خوبی واضح می‌شود: اول از اشاراتی که در اشعار شعرا به این دو عاشق شده است که از اوایل قرن ششم هجری عشق این دو نفر ضرب‌المثل شده بوده است ... گاهی یک داستان تمام به شیوه‌ی او ساخته‌اند، گاهی بر روال او سؤال و جواب و مکالمه‌ی طولانی بین عاشق و معشوق در داستان خود گنجانده‌اند. گاهی به سبک او در میان تشریح مجالس عیش و وصف حال رجال داستان، سرودی یا غزلی به همان وزن تمام کتاب یا برخلاف آن وزن گنجانده‌اند و گاهی هم ده‌نامه یا سی‌نامه‌ی عاشقانه به اسلوب آن ده‌نامه‌ای ساخته‌اند که فخرالدین گرگانی در این قصه از قول ویس انشا کرده است. مانند ده‌نامه‌ی اوحدی و ده‌نامه‌ی ابن عماد و ده‌نامه‌ی عارفی و ده‌نامه‌ی عماد فقیه و سی‌نامه‌ی امیر حسینی و سی‌نامه‌ی کاتبی و فراق‌نامه‌ی سلمان ساوجی و غیر اینها» (مینوی، ۱۳۳۴: ۱۹).

ده‌نامه‌هایی که تاکنون شناخته شده‌اند عبارتند از:

- ۱- ده نامه موسوم به منطق‌العشاق از اوحدی مراغه‌ای که در پانصد بیت در بحر هزج مسدس (مقصور یا محذوف) ساخته شده و در سال ۷۰۶ هجری به پایان رسیده است.
- ۲- ده نامه موسوم به تحفه‌العشاق از رکن صاین هروی از شاعران قصیده سرا و غزل گوی قرن هشتم هجری که به تقلید از منطق‌العشاق، این منظومه را در بحر هزج در سال ۷۵۱ هجری در پانصد بیت سروده است.
- ۳- ده نامه یا محبت نامه از ابن نصوص فارسی که از معاصران رکن صاین هروی بوده و این منظومه کوچک را در بحر هزج مسدس (مقصور یا محذوف) در قرن هشتم هجری سروده است.
- ۴- ده نامه خواجه عماد فقیه که اگرچه از حیث مضمون و ساختار تفاوت‌هایی با دیگر ده نامه‌ها دارد ولیکن مجموعه‌ای است از ده نامه منظوم در بحور مختلف که شاعر در زمان‌ها و مناسبت‌های مختلف برای وزرا و سلاطین وقت سروده و مقدمه‌ی منظوم بر آن نوشته و در بین قطعات منظوم غزلیاتی هم ثبت شده است.
- ۵- ده نامه عشاق نامه از فخرالدین عراقی. منظومه‌ای است عرفانی شامل ده فصل یا ده نامه که هر فصل آن اختصاص به مبحثی در عرفان دارد و زمان سرایش آن را سال‌های ۶۸۳ - ۶۸۰ دانسته‌اند. (صفا، ۱۳۷۳: ۵۷۶/۳)
- ۶- ده نامه موسوم به روضه‌المحبین از ابن عماد شیرازی از شاعران قرن هشتم هجری که این منظومه را در ۷۶۰ بیت در سال ۷۹۴ هجری به پایان برده است.
- ۷- ده نامه عارفی هروی که از شاعران اواخر قرن هشتم هجری است و این منظومه را برای خواجه پیر احمد بن اسحاق (وزیر سلطان بایسنغر میرزا) سروده است (خان محمدی، ۱۳۷۸: ۲۰)
- ۸- عشاق نامه‌ی عبید زاکانی. منظومه‌ای است در بحر هزج مسدس که عبید زاکانی آن را در هفتصد بیت در دوم رجب سال ۷۵۱ هجری به پایان آورده است. این منظومه با وجود آنکه

نام ده نامه را ندارد ولیکن از جنس ده نامه‌هاست و آرایشی شبیه ده نامه‌های منظوم ادب فارسی را دارد .

۹- روضه العاشقین از عزیز بخاری . ده نامه‌ای است در بحر خفیف مخبون اصلم مسیخ در هزار بیت که در قرن نهم سروده شده است .

۱۰- صحبت نامه سروده ی همام تبریزی، اگرچه این منظومه عنوان ده نامه ندارد ولی به دلیل شباهت آرایش این اثر و ترتیب مطالب و مضامین آن، می‌توان آن را در زمره ی ده نامه‌های موجود به حساب آورد .

۱۱- محبوب‌القلوب یا ده نامه ی حریری . منظومه‌ای است عارفانه که در شوال هشتصد هجری به پایان رسیده و مجموع ابیات آن یکصد هزار بیت است ( عیوضی، ۱۳۵۴ : ۵۴۴ ) .

۱۲- ده نامه موسوم به روح‌العاشقین از شاه شجاع ( باقری، ۱۳۸۸ : ۶۰ ) این منظومه در سال ۷۶۸ هجری در بحر هزج سروده شده و مجموعاً دارای هفتصد و چهل و چهار بیت است .

علاوه بر ده نامه‌های مذکور، ده نامه ی دیگری موجود است با نام محب و محبوب که تاکنون ناشناخته باقی مانده و در هیچ جا نشانی از آن نداده‌اند . یگانه نسخه‌ای که از این منظومه به جای مانده و یا تاکنون یافت شده ، نسخه‌ای است متعلق به کتابخانه ی توپینگن برلین که عکسی از آن در کتابخانه شخصی مجتبی مینوی نگهداری می‌شود و از سروده‌های قرن هشتم هجری است. متأسفانه با توجه به اینکه انجام این نسخه ی منحصر به فرد افتاده، نویسنده و کاتب آن نامشخص است ( دانش پژوه ، ۱۳۷۴ : ۷۶ ) اما در خود منظومه شاعر خود را در چند جا با نام اختیار یاد کرده است :

همی گفت آزاده‌ای نکته‌دان

چو آمد از اینسان سخن در میان

مده فرصت از دست و لختی بکوش

که ای اختیار از چه هستی خموش

( اختیار ، بی تا : ۲۰ )

و یا این بیت :

ز حیرت به من گفت کای اختیار چرا بسته‌ای دم زبان را برآر

( پیشین : ۱۴ )

در تذکره‌ها از شاعری به نام و تخلص اختیار ذکری نرفته و در خود منظومه نیز نام و نشانی دیگر از وی دیده نمی‌شود. از نام منظومه در آغاز این مثنوی چنین یاد شده است :

در اندیشه کاین گلبن نوشکفت  
چه نامش نهم پیرم این نکته گفت

که با دل سحر بودم این ماجرا  
که نامش چه باشد چنین تحفه را

شنیدم من از هاتفی این کلام  
که این را محب است و محبوب نام

چو از غیب آمد اشارت چنین  
نهادیم ما نیز نامش همین

( پیشین : ۲۳ )

این منظومه پس از توحید باری تعالی و نعت پیامبر ( ص ) به مدح ممدوح می‌پردازد :

ز من بشنو ای دوست این داستان  
به نام شهنشاه عالم کن آن

کز آن نام تو در سخن گستری  
شود فاش تر صد ره از انوری

ملاذ سلاطین روی زمین  
نظام سرپرده ی ما و طین .....

جهانگیر جم جاه عالم مطاع  
شه صفدر و چون غضنفر شجاع

( همان : ۱۷ )

چنانکه می‌بینیم این منظومه به نام شاه شجاع سروده شده است. « همچنان که پروفیسور آربری در مقاله ی خود اشاره کرده است ، شاه شجاع پادشاه مقتدر آل مظفر، نه تنها حامی و مشوق ادیبان و شاعران بوده، بلکه خود نیز طبعی لطیف و ذوقی سلیم داشته است و اشعاری

چند از این شاه شاعر به طور پراکنده در کتب تاریخ و تذکره‌ها به جای مانده است» (باقری ، ۱۳۵۷ : ۴۸۷) . سراینده سبب نظم کتاب را این چنین بیان کرده است :

یکی روز در نزد ارباب فن	ز هرگونه می شد سخن در سخن
گهی بحث در علم کشف بود	سخن گه ز تصنیف و صاف بود ....
یکی سرگذشتی ز شهنامه خواند	یکی چند بیتی ز ده نامه خواند
یکی گفت بیچاره مجنون زار	ز هجران لیلی نبودش قرار
یکی گفت خسرو شه تاجور	شد از عشق شیرین ز خود بی خبر
یکی منطق الطیر عطار خواند	ز مخزن یکی دیگر اسرار خواند
یکی میل جمشید و خورشید داشت	که جمشیدسان مهر خورشید داشت
یکی یاد کردی گلستان شیخ	یکی لاله چیدی ز بستان شیخ
یکی گفت ز احوال رامی و ویس	دو بیتی ز بهرم به جایی نویس
یکی از گل و بلبل آغاز کرد	چو بلبل هزاران نوا ساز کرد
یکی گفت نوروز و گل دلکش است	که در هر مقامی مقالی خوش است

( اختیار ، بی تا : ۲۰ )

سپس آزاده از سراینده می خواهد که :	ز نو گرم کن باز بازار عشق
بگو چند بیتی ز اسرار عشق	فکن غلغلی در گل عاشقان
برافروز شمع دل عاشقان	( پیشین : ۲۱ )

سراینده با شنیدن این سخن در مقام فروتنی خود را مگسی در گلستان و پشه‌ای در برابر باز دانسته و می‌گوید که من در برابر فردوسی، نظامی، سعدی، عطار و سلمان، توانایی سخن گفتن ندارم:

بر آن بزرگان صاحب کلام      چه گویم که آن را توان برد نام

( همان : ۲۲ )

سپس بر اثر توجه پیر به سراینده و در پی درخواست وی :  
 کشیدم به نظم این در شاهوار      که ماند ز من در جهان یادگار  
 چو نوباوه‌ای کرد سایل طلب      تجاوز نکردم ز روی ادب  
 ( پیشین : همانجا )

سراینده به دنبال آن از خواننده درخواست می‌کند که :  
 خطایی اگر باشدم در سخن      ز من در گذر آن به وجه حسن  
 حقیقت من بی‌بضاعت کی‌ام      که از شعر و شاعری دم زنم ...  
 مکن عیبم ار نیست نظمم متین      ز دهقان بود فرق تا خوشه‌چین  
 منم خوشه‌چینی از این کشتزار      به خرمن کجا باشدم اختیار  
 ( همان : ۲۴ )

سپس داستان محب و محبوب با این ابیات آغاز می‌گردد :  
 اگر هوشمندی و صاحب نظر      بیا بشنو این داستان سر به سر  
 جوانی خردمند فرزانه بود      که مثلش در ایران و توران نبود .....



که بودش محبان بسی در جهان ....

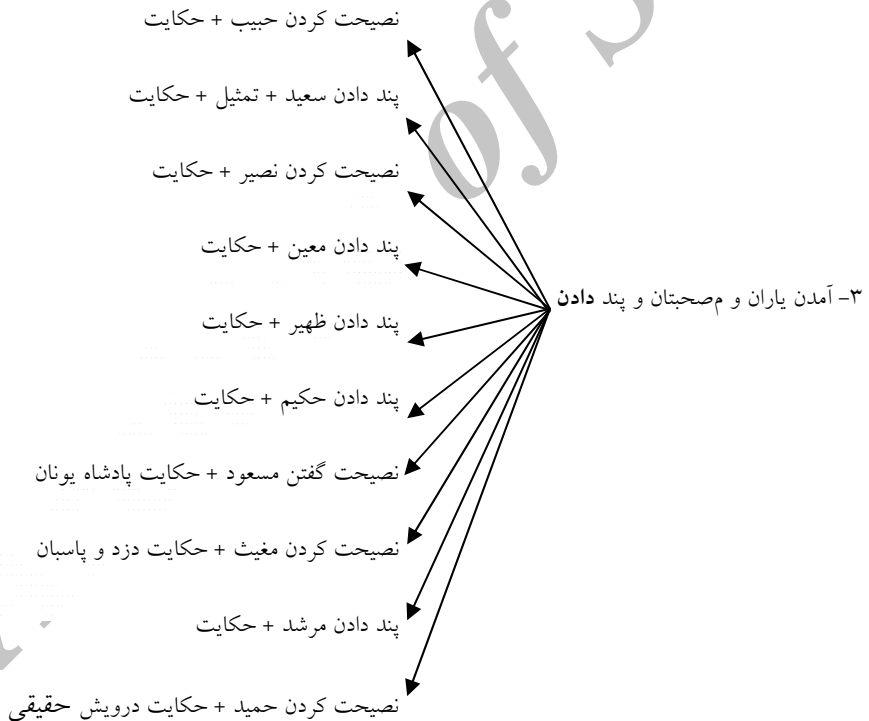
محب نام از آن داشت آن نوجوان

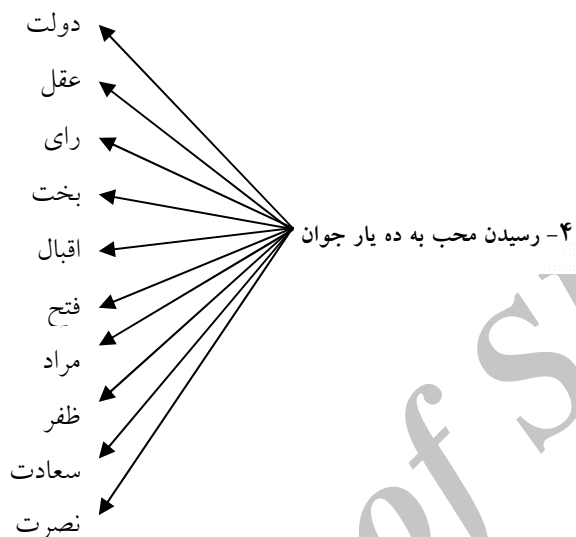
( همان : ۲۵ )

بافت و ساخت قسمتهای مختلف داستان بدین گونه تدوین و تنظیم گردیده است :

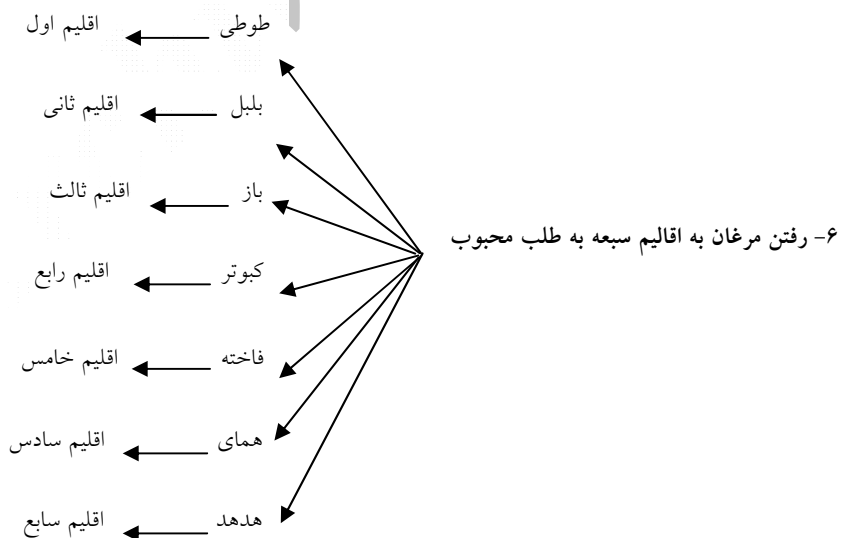
۱- آغاز داستان محب و محبوب

۲- زاری کردن محب در فراق محبوب بعد از بیداری و احوال او





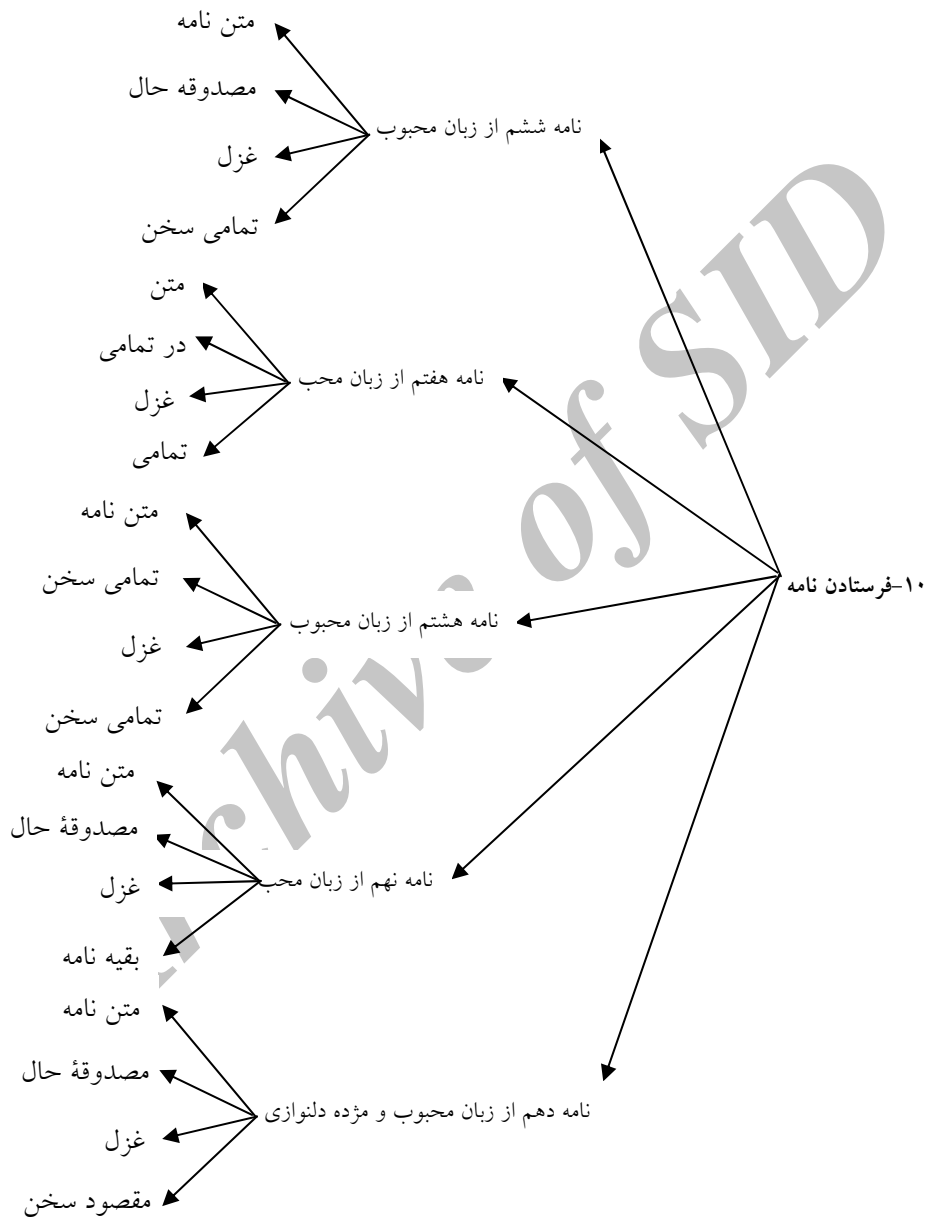
۵- جمع آمدن مرغان به دستور نصرت



۷- بردن صبا هدهد را به اقلیم ثانی

۸- خبر آوردن هدهد از محبوب





۱۱- رسیدن محب به فغفور چین و ملاقات ایشان

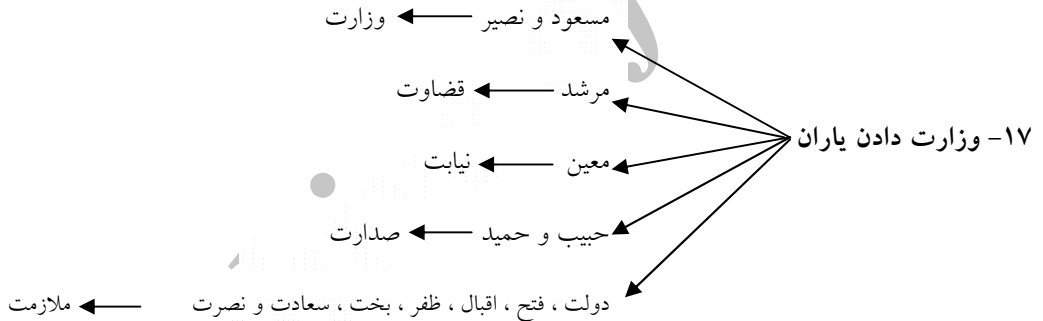
۱۲- در طلب کردن فغفور محب را و زاری محب در عشق محبوب

۱۳- آمدن بخت به نزد فغفور و حکایت محب

۱۴- در صفت بهار و عروسی کردن

۱۵- در واقعه دیدن فغفور که تاج از سرش افتاد و وفات یافتن او

۱۶- بر تخت نشستن محب به جای فغفور چین



### بررسی و تحلیل:

با تأمل در عناوین این منظومه عاشقانه می توان چنین نتیجه گرفت که دهنامه محب و محبوب با دهنامه های دیگر ادب فارسی دارای وجوه اشتراک و افتراقی است. در برخی از زمینه ها این ده نامه به شیوه دیگر دهنامه ها سروده شده و در برخی از قسمتها نیز دارای آرایشی خاص است که بدان اشاره می شود.

## وجوه اشتراک

- ۱- این اثر مانند ده‌نامه‌های دیگری که از عهد مغول به بعد رایج گردیده، منظومه‌ای عاشقانه است در بیان حالات عشق و نامه‌هایی که میان عاشق و معشوق مبادله گردیده است.
- ۲- در متن داستان به شیوه‌ی ده‌نامه‌های دیگر ادب فارسی، پنج‌نامه از سوی عاشق به معشوق و پنج‌نامه از معشوق در پاسخ نامه‌های عاشق رد و بدل گردیده است.
- ۳- هر یک از ده‌نامه‌ها، مطابق سنت ده‌نامه‌نویسی، مژدیل به ابیاتی است که در متن هر نامه با مقدمه و مؤخراتی به کار رفته و آن غزلی است بر وزن منظومه با رعایت قافیه و نیز حکایت، مصدوقه‌ی حال و تمامی سخن.
- ۴- داستان این ده‌نامه به شیوه‌ی اکثر ده‌نامه‌های فارسی، بسیار ساده و روشن و عبارت از آن است که شخصی عاشق زیبارویی شده و شدت اشتیاق او را وادار به نامه‌نگاری به معشوق می‌نماید و پاسخ معشوق در نامه‌های نخستین، استنکاف و سرباز زدن و اظهار بیزاری است ولی سرانجام در آخرین نامه، معشوق به جهت پایداری‌های عاشق و زاری‌های او سر تسلیم فرود آورده و در پایان نیز به وصال همدیگر می‌رسند. (پنج‌بخش نیازهای عاشق، چهار بخش نازهای معشوق و در بخش آخرین نیز تسلیم معشوق).
- ۵- آنچه باعث جذابیت این ده‌نامه و ده‌نامه‌های دیگر ادب فارسی می‌گردد، گفتگوی عاشقانه و بیان حرمان عاشق و بی‌نیازی معشوق در اثنای نامه‌های رد و بدل شده است و اینکه سرانجام عشق پیروز شده و عاشق به مراد دل می‌رسد.
- ۶- آغاز این منظومه همانند دیگر ده‌نامه‌ها، دارای طرحی یکسان است. پس از توحید باری تعالی و نعت پیامبر (ص) و مناجات، مدح ممدوح و سبب نظم کتاب بیان می‌گردد و دو خصوصیت اصلی ده‌نامه‌ها یعنی منحصر بودن در نامه‌های عاشقانه متبادل میان عاشق و معشوق و دیگری در حد معین ده‌نامه بودن در این منظومه نیز رعایت گردیده است.

### وجوه افتراق

گذشته از تشابهات و وجوه مشترک ده‌نامه محب و محبوب با دیگر ده‌نامه‌های ادب فارسی، برخی از قسمت‌های این منظومه دارای آرایشی متفاوت و دیگرسان است که برخی از این تفاوت‌ها عبارتند از:

- ۱- اکثر ده‌نامه‌های ادب فارسی چون ده‌نامه منطق‌العشاق اوحدی، عشاق نامه عبید زاکانی، تحفه‌العشاق رکن صاین هروی، محبت نامه ابن‌نصوح، ده‌نامه حریری و ..... در بحر هزج سروده گردیده ولیکن ده‌نامه محب و محبوب در وزنی متفاوت و در بحر متقارب سروده شده است.
- ۲- غالب ده‌نامه‌های ادب فارسی کوتاه و مجمل است. منطق‌العشاق اوحدی در پانصد بیت، تحفه‌العشاق رکن صاین در پانصد بیت، روضه‌العاشقین در هزار بیت، ده‌نامه حریری در هزار بیت سروده شده ولیکن محب و محبوب در بیش از سه هزار و پانصد بیت سروده شده و از این جهت طولانی‌ترین و مفصل‌ترین ده‌نامه ادب فارسی محسوب می‌گردد.
- ۳- نامه‌های متبادل بین عاشق و معشوق در ده‌نامه‌ها به دست یکی از عناصر و موجودات طبیعی مانند باد و آب، ماه و آفتاب، پروانه و شمع، بلبل و گل و یا مصنوعات بشری همچون شانه و آینه رد و بدل می‌گردد. ولیکن در این ده‌نامه، نامه‌های عاشق و معشوق به واسطه همد فرستاده می‌شود. همدی که از اقلیم هفتم با یاری صبا به اقلیم ثانی آمده و خبر محبوب را به محب می‌دهد.

آرایش اصلی ده‌نامه‌های ادب فارسی بدین شکل است:

- ۱- نامه از زبان عاشق یا معشوق
- ۲- غزل
- ۳- مثنوی یا فرد
- ۴- آگاه شدن معشوق و عاشق از یکدیگر با رسیدن نامه آنان به همدیگر
- ۵- خلاصه ی سخن
- ۶- حکایت

## ۷- تمامی سخن .

ولیکن منظومه‌ی محب و محبوب با آرایشی نسبتاً تازه‌تر و حذف بخش مثنوی و یا فرد و حکایت و نیز اضافه نمودن دو قسمت تمامی و یا خلاصه‌ی سخن ، پس و پیش از غزل ، بدین صورت است :

۱- نامه از زبان عاشق یا معشوق .

۲- مصدوقه حال ( خلاصه سخن ، باقی سخن و ..... ) .

۳- غزل .

۴- آگاه شدن معشوق و عاشق از یکدیگر با رسیدن نامه آنان به همدیگر .

۵- تتمه سخن ( تمامی سخن و یا مقصود سخن ) .

۶- اکثر ده‌نامه‌های ادب فارسی پس از حمد، نعت، مناجات و سبب نظم کتاب ، متن اصلی داستان آغاز گردیده و عاشق، حال خود را وصف کرده و نامه اول فرستاده می‌شود و آنگاه مسأله اعزام پیک پیش می‌آید. سپس پیک روان گردیده و نامه را به ترتیب لازم می‌رساند . گیرنده‌ی نامه نیز به محض دریافت، نامه را خوانده و بازتاب احساسات خود را ضمن سخنانی به پیک آشکار می‌کند و سخن خود را با مطالبی تحت عنوان خلاصه‌ی سخن به پایان می‌برد و بر سر نوشتن پاسخ می‌رود . بخشهای دیگر به همین ترتیب نیز انجام می‌پذیرد. اما این منظومه‌ی مفصل که چنان که بیان گردید ، می‌توان آن را طولانی‌ترین ده‌نامه ادب فارسی به حساب آورد، با شروعی دیگر و ختمی متفاوت انجام می‌پذیرد . نخست این که محب عاشق، خواب پری پیکری را می‌بیند و با دیدن خواب، عاشق محبوب می‌گردد و پس از خواب، بی‌تابی‌های وی آغاز گردیده و به جستجوی او در هر سو می‌پردازد. دیگر اینکه محب دارای ده یار اهل دانش است با نام‌های حبیب، سعید، معین، ظهیر، حکیم، حمید ، مغیث، نصیر، مرشد و مسعود که هر کدام از آن‌ها در علمی حاذق و ماهر هستند و با دبدن پربشانی‌ها و بی‌تابی‌های محب با آوردن تمثیل‌ها و حکایت‌گوناگون به پند و نصیحت وی می‌پردازند. نکته دیگر آنکه محب در جستجوی محبوب با جوانی همایون و فرخنده فال با نام دولت مواجه می‌شود که آن جوان خود



دارای نه دوست دیگر با نام های عقل، رای، بخت، اقبال، فتح، مراد، سعادت، ظفر و نصرت است و هر کدام از این ده تن به نوعی در پی چاره‌اندیشی برای محب هستند. دولت به پیش عقل آمده از او کمک می‌خواهد، عقل او را به پیش رای می‌برد. رای نیز از بخت کمک می‌جوید. بدین ترتیب هر کدام از این ده جوان به مشورت و چاره‌جویی می‌پردازند تا این که به نصرت می‌رسند. نصرت با شنیدن سخنان محب، مژده یافتن محبوب را بدو داده و مرغان جهان را گرد آورده و با دلجویی و خشنودی آن‌ها، هر کدام از هفت مرغ برگزیده را به یکی از اقلیم سبعة می‌فرستد. بدین ترتیب طوطی در پی جستجوی محبوب به اقلیم اول، بلبل به اقلیم ثانی، باز به اقلیم ثالث، کبوتر به اقلیم رابع، فاخته به اقلیم خامس و همای به اقلیم سادس روانه می‌گردند. تا این که هدهد در هنگام جست و جوی محبوب در اقلیم هفتم به واسطه ی باد صبا، به اقلیم ثانی رانده شده و محبوب را بازیافته و خبر یافتن وی را به محب باز می‌گوید. از اینجا به شیوه ی ده‌نامه‌های دیگر، نامه‌های عاشق و معشوق به یکدیگر آغاز می‌گردد با این تفاوت که (چنان که بیان گردید) پیک این راه، هدهد است و سرانجام نیز محب را به محبوب می‌رساند.

انجام این منظومه نیز دارای آرایشی متفاوت از دیگر ده‌نامه‌های ادب فارسی است و آن اینکه پس از وصال عاشق و معشوق به یکدیگر، عاشق بر تخت شاهی نشسته و هر کدام از آن ده یار جوان که در اثنای داستان محب را در وصال محبوب یاری داده بودند، در پایان داستان نیز به مقام و منصبی رسیده و از جانب محب که (به جای فغفور، پدر محبوب، به تخت نشسته) مقام وزارت و صدرات و نیابت و .... می‌یابند. جای بس تأسف است که صفحه (و یا صفحاتی چند) از انجام این منظومه ی نفیس افتاده است. صفحه و یا صفحاتی که غالباً در ده نامه‌ها سراینده به معرفی خود و زمان تألیف اثر و مدت تصنیف آن و مجموع ابیات منظومه خود می‌پردازد. بدین ترتیب با در نظر گرفتن ده‌نامه ی محب و محبوب، تعداد ده‌نامه‌های موجود ادب فارسی افزوده گشته و عدد آن‌ها به سیزده می‌رسد. امید است با شناسایی دیگر نسخه‌ها و دستنویس‌های فارسی که در گوشه و کنار کتابخانه‌های جهان موجود است، ده‌نامه‌های دیگری به این تعداد افزون گردد.

**نتیجه**

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که :

- ۱- ده‌نامه‌نویسی یکی از انواع ادبی ناشناخته و خاصی است که پس از حمله مغول به خصوص در قرن هشتم هجری روایی خاصی یافت .
- ۲- دو خصوصیت عمده این نوع ادبی که یکی از انواع ابتکاری ادب فارسی است ، یکی منحصر بودن در نامه‌های عاشقانه متبادل بین عاشق و معشوق و دیگر منحصر بودن در حد معین ده‌نامه می‌باشد .
- ۳- ده‌نامه‌های ادب فارسی دارای آرایشی خاص و تقریباً مشابه است که متن آن غالباً با پنج‌نامه از سوی عاشق و پنج‌نامه از سوی معشوق تشریح می‌گردد و هر کدام از این نامه‌ها مذیل به غزلی متناسب با وزن منظومه است .
- ۴- یکی از ده‌نامه‌های مغفول و فراموشی شده ادب فارسی که در هیچ یک از تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبی و نیز فهرست نسخه‌های خطی منزوی نام و نشانی از آن نیست، ده‌نامه محب و محبوب است که با آرایشی خاص در قرن هشتم هجری به نام شاه شجاع سروده شده است .
- ۵- محب و محبوب را می‌توان طولانی‌ترین و مفصل‌ترین ده‌نامه ادب فارسی به حساب آورد که معرفی، تصحیح و تدوین آن از ضروریات پژوهشهای ادبی است و از جهت ادبی دارای ارزش و اهمیت خاصی است و در نوع خود منظومه‌ای مبتکر و تازه است .

### منابع

- ۱- آربری، آرتورجان (۱۹۴۱) **فخرالدین عراقی**. شاعر متصوف ایرانی. مجله روزگار نو. شماره اول.
- ۲- اختیار (بی تا) **محب و محبوب**. نسخه ی خطی متعلق به کتابخانه ی توپینگن برلین. فلیم شماره ی ۵۰ کتابخانه مجتبی مینوی.
- ۳- باقری، مهری (۱۳۵۷) **روح‌العاشقین**. ده نامه ی شاه شجاع نشریه دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی تبریز.
- ۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸) **ده‌نامه ی روح‌العاشقین**. چشم‌اندازی بر وقایع عصر حافظ. تهران: نشر قطره.
- ۵- خان محمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۸) **ده نامه سرایی**. نشریه گلچرخ. شماره ۲۱. ادبیهشت و خرداد.
- ۶- دانش پژوه، محمدتقی و ایرج افشار (۱۳۷۴) **فهرست واره ی کتابخانه مینوی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۷- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۳) **تاریخ ادبیات ایران**. تهران: انتشارات فردوس.
- ۸- عیوضی، رشید (۱۳۵۴) **ده نامه‌گویی در ادب پارسی و ده نامه ی حریری**. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. شماره مسلسل ۱۱۶.
- ۹- مینوی، مجتبی (۱۳۳۴) **ویس و رامین**. مجله سخن. دوره ی ششم. شماره ی اول.